

# شکایت رسمی ایران از آمریکا

## بیانیه دیوان دادگستری لاهه

[۳]

امیرفیض- حقوقدان

### تأیید اعتبار قرار داد مودت

پیرو تحریر قبلی<sup>۱</sup> در رابطه با ارسال شکایت جمهوری اسلامی به دیوان لاهه علیه آمریکا بخواسته آزاد سازی ۲ میلیارد دلار اذرائی های ایران، امروز خبرگزاری ها خبری درمورد شکایت ایران منتشر کرده اند که بسیار با اهمیت است و میتواند سرنوشت ساز باشد؛ خبر این است:

<دیوان دادگستری بین المللی مستقر در لاهه با انتشار بیانیه ای اعلام کرد؛ جمهوری اسلامی ایران شکایتی را علیه آمریکا در این دادگاه که نهاد قانونی اصلی سازمان ملل متحد محسوب میشود مطرح کرده و در آن خواستار بررسی نقض پیمان مودت روابط اقتصادی و حقوق کنسولی میان ایران و آمریکا شده است قراردادی که در ۱۵ اوت سال ۱۹۵۵ میان دو کشور به امضا رسیده است.

در این دادخواست آمده است؛ آمریکا سالهاست با اتخاذ رویکردی که در آن، ایران حامی تروریسم شناخته میشود (اتهامی که ایران آنرا رد میکند) اقدامات قانونی و اجرایی متعددی را به کار گرفته است که بطور مستقیم اموال و منافع و نهادهای ایرانی شامل بانک مرکزی را هدف قرار میدهد. از این رو، دادگاههای آمریکا بارها تلاش های بانک مرکزی برای استناد به مصونیت هائی که بر اساس آن چنین اموالی تحت قوانین داخلی آمریکا و پیمان مودت قرار میگیرد رد کرده است.

دادگاه لاهه در ادامه بیانیه خود آورده است؛ <ایران در شکایت خود میگوید که دارائی ها و اموال موسسات ملی ایران و دیگر شرکت های ایران تصرف شده و یا در مسیر مسدود شدن هستند یا در معرض خطر تصرف و انتقال قرار دارند بنابراین ایران میگوید که این اقدامات و قوانین نقض مفاد پیمان مودت است.

بر اساس این قرارداد قدیمی که با وجود انقلاب اسلامی ایران همچنان میان دو کشور به قوت خود باقی است؛ دیوان دادگستری بین المللی صلاحیت قضائی برای رسیدگی به این شکایت مطرح شده از سوی ایران را دارد.

### زنده بودن دستور شاهنشاه ایران

خبر معتبر بودن قرارداد مودت ایران و آمریکا بسال ۱۹۵۵ بسیار عجیب و غیر قابل باور است؛ چیزی که حتی جمهوری اسلامی هم در خیال بر آن فکر نمیکرد؛ در تشبیه میتوان گفت همانند آن است که گروهی

پناهجو درکمال ناامیدی پشت مرز کشوری جمع شده اند و یکباره به آنان اجازه ورود به کشور پناه دهنده داده میشود، دیگر با آن پناهجویان است که از مزایای پناهندگی لیاقت استفاده را داشته باشند یا خیر.

اکنون این مزیت و امتیاز قضائی شگرف به جمهوری اسلامی غاصب نا لایق داده شده است و باید دید که شیخ حسن و دولتش لیاقت استفاده از آن را دارند یا خیر.

## **طاغوت و قرارداد مودت<sup>۲</sup>**

استقبال جمهوری اسلامی از قرارداد مودت ایران و آمریکا و استناد به آن از آنجهت بیشتر عجیب است که جمهوری اسلامی شاهنشاه ایران و دولت های قانونی ایران را طاغوت و قدرت ناروا میدانند و از نظر اسلامی و حتی حقوق مدرن دستاورد های قدرت های غیرقانونی و ناروا نمیتواند واجد مشروعیت شناخته شود الا آنکه از سوی مجلس، آن دستاوردها تائید شده باشد (حقوق مدرن) یعنی قرارداد مودت ایران و آمریکا وقتی میتواند مبنای مطالبه و حقوق قرارگیرد که قرارداد مزبور به تائید مجلس اسلامی رسیده باشد؛ که میدانیم چنین اتفاقی روی نداده و از نظر حقوق تشیع، دستاورد طاغوت همواره ناروا و مطرود است.

عمل جمهوری اسلامی درتوسل به یکی از هزاران دستاوردهای شاهنشاه ایران با هیچ منطق اسلامی منطبق نیست تنها دردورنمای این فصل که <مست بودم اگر...خوردم> قرارمیگیرد.<sup>۳</sup>

## **مسیر این تحریر**

انگیزه و هدف این تحریر حرکت در جهت منافع و موفقیت جمهوری اسلامی در دیوان لاهه نیست و دقیقاً متوجه حفظ منافع ایران و پاسداری از دستاورد شاهنشاه ایران یعنی قرارداد مودت است، و هیچیک از دو اهداف مزبور یعنی تامین و حفاظت از منافع ایران و پاسداری از قرارداد مودت که دستاورد شاهنشاه ایران است مطلوب و مورد تائید جمهوری اسلامی نیست.

راهی را که این تحریر برگزیده راه جستجو و یافتن موارد و شناخت پایگاههای دفاعی آمریکا نسبت به اظهار نظر دیوان در معتبر بودن قرارداد مودت است نه دفاع از ادعای آمریکا و در عبارت توضیحی نکته هائی که این تحریر ارائه خواهد داد میتواند مصداق <ف یعنی فرحزاد> باشد یعنی حقوقدانان از اشارات در این تحریر دامنه های وسیع تری را کشف و آنرا در معیارهای حقوقی بکارگیرند.

<sup>۲</sup> - این رژیم دوران شاهنشاهی را «طاغوت» میداند و همدیف «شیطان» ولی همه دستاورد های دوران شاهنشاهی «سرمه چشم» این رژیم شده است. از نقشه و طرح بندی، پل، جاده فرودگاه و طرح خرید هواپیما گرفته تا قوانین و مقرراتی که بنفع دولت آخوندی میباشد. یک بام است و دو هوا... ح-ک

<sup>۳</sup> - کتاب موش و گربه عبید زاکانی را نگاه کنید - ح-ک

پوستش پر کنم ز کاهانا  
کـــه شود روبرو بمیدانا  
چنگ و دندان زدی بسوها  
چون پلنگی شکار کوهانا  
غفو کن بر من این گناهانا  
گــ»»ه فراوان خورند مستانا  
نخورم من فریب و مکرانا

گــفت کو گربه تا سرش بکنم  
گربه در پیش من چو سگ باشد  
گــربه این را شنید و دم نزدی  
ناگهان جست و موش را بگرفت  
موش گفتا که مــن غلام توام  
مست بودم اگر گهی خوردم  
گربه گفتا دروغ کمتر گوی

## نکته های این تحریر

### **\*\*\* احراز صلاحیت دیوان**

آنچه در بیانیه دیوان دادگستری لاهه بسیار قابل اهمیت است پروانه ورود دعوی جمهوری اسلامی از دروازه دیوان دادگستری لاهه است که با احراز صلاحیت دیوان بزرگترین مشکل رسیدگی به دعوی جمهوری اسلامی حل شده بنظر میرسد.

البته اکنون نمیتوان آن مشکل راحل شده گرفت زیرا قضیه امر مختوم بها نیست و طرف دعوا که آمریکاست حق اعتراض خواهد داشت؛ ولی بهر حال یک گام مثبت به سوی دعوی جمهوری اسلامی محسوب میشود.

**\*\*\* اظهار نظر مقدماتی دیوان به احراز صلاحیت خود از منشاء قرارداد مودت ایران و آمریکا بسال ۱۹۵۵**

بنظر میرسد که یک اظهار نظر اداری باشد تا اظهار نظر قضائی زیر فاصله تقدیم دادخواست جمهوری اسلامی تا صدور بیانیه دیوان آنقدر کم و کوتاه است که نمیتوان بیانیه دیوان را ناشی از رسیدگی قضائی به احراز اصالت و تداوم اعتبار قرارداد مودت ۱۹۵۵ دانست آنهم دیوان دادگستری لاهه که تصمیمات قضائی آن ده ها سال طول میکشد.

از باب نمونه هنوز پس از سی سال پرونده شکایت ایران از آمریکا بمناسبت قرارداد الجزایر خاتمه نیافته است و جالب است بدانید که حتی در همین زمان، انباری در ویرجینیا بنام <ویکتوریا ون> وجود دارد که مقدار زیادی از اموال ایران مانند موتورهای هواپیمای اف ۱۴ و غیره در آن انبار شده و جمهوری اسلامی هم مرتباً اجاره آن انبار را میدهد ولی اجازه استفاده و خارج کردن آنها را از آمریکا ندارد.

**\*\*\* توضیح اینکه از نظر اداری و حتی منطوق حقوقی، قرارداد مودت باقی و معتبر است چرا که نسخ و یا ابطال آن ضمیمه بایگانی نیست ولی اینکه آیا قرارداد مزبور از نظر ماهوی هم در موقعیت اعتباری خود قرارداد و آیا اوضاع و احوال و تغییرات شگرف و ضد موضوع قرارداد باعث حفظ اعتبار آن میباشد یا خیر یک اقدام قضائی و مستلزم شنیدن اعتراضات احتمالی آمریکاست.**

### **\*\*\* در رابطه با حیات حقوقی قرارداد مودت**

در تحریر قبلی یکی از طرقی که موجب توقف و بی اعتباری قراردادها میشود دگرگونی اوضاع احوال زمان قرارداد یاد آوری شد که نمونه هائی هم ذکر شد.

این تحریر قاصد است که بگوید دگرگونی و تغییرات و روابط ایران و آمریکا در حدی بوده که بصورت قانون در آمریکا در آمده آنهم قانونی که مستمراً تا همین سال جاری تمدید و مورد حمایت کنگره آمریکا قرار گرفته است.

توضیح اینکه در سال ۱۹۷۷ قانون اختیارات اضطراری بین المللی به تصویب کنگره آمریکا رسید که به رئیس جمهور آمریکا اجازه داده شد تا نسبت به کشورهایی که برای امنیت ملی آمریکا تهدید غیرمتعارف و فوق العاده محسوب میشوند اقدامات لازم را مرعی دارند؛ قانون مزبور کلی و ناظر بر اقدامات و چرخه فعالیت های مالی و قراردادی با هردولتی است که آمریکا را دشمن خود میداند. (۱)

بعد از مسئله گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا، کنگره آمریکا با تصویب قانون <وضعیت اضطراری در قبال ایران> در ماه مارس ۱۹۹۵ (زمان کلینتون) اعلام کرد که مفاد قانون سال ۱۹۷۷ در مورد ایران صادق است و بدین ترتیب رسماً ایران به عنوان تهدید فوق العاده علیه امنیت ملی آمریکا از سوی کنگره آمریکا شناخته شد.

### مشخصات قانون مزبور

✱ قانون مزبور (۱۹۷۷) عام بوده و شمول آن بر کلیه دولتهائی است که آمریکا فعالیت آن دولت را تهدید فوق العاده ای علیه امنیت ملی کشور خود بداند.

✱ با آنکه نیازی به قانون جدیدی مختص به ایران نبوده و ایران هم مشمول همان قانون ۱۹۷۷ میشده مع هذا کنگره آمریکا قانون خاصی هم بنام ایران در سال ۱۹۹۵ صادر میکند و این قانون، مشخصاً حساسیت کنگره به خطر جدی و تهدیدات جمهوری اسلامی را متوجه امنیت ملی آمریکا نشان میدهد.

✱ اقداماتی که قانون مزبور قانون ۱۹۷۷ و قانون ۱۹۹۵ به آمریکا اجازه اجرای آنرا میدهد عبارتست از:

الف - وضع محدودیت یا ممنوعیت در برقراری روابط تجاری از جمله توقف معاملات.

ب- مسدود کردن دارائی ها.

بنابراین بلوکه کردن دارائی های ایران و ایجاد تحریم ها و ممنوعیت معاملات آمریکا با جمهوری اسلامی به استناد همین قانون ۱۹۹۵ و متمم ها و پیوستهای آن بوده است.

✱ قانون مزبور از آن سال تاکنون هر ساله بوسیله رئیس جمهوری آمریکا تجدید شده است و حتی پس از برجام هم تمدید قانون مزبور بوسیله آقای باراک اوباما دنبال شده است.

بهبتر است به دلیل تمدید قانون مزبور از سوی باراک اوباما رجوع کنیم تا بهتر به بی اعتباری قرارداد مودت آگاه شویم.

<بحران موجود میان ایالات متحده و ایران که از اقدامات و سیاستهای دولت جمهوری اسلامی ناشی شده و به اعلام وضع اضطراری در ۱۵ مارس ۱۹۹۵ انجامیده هنوز فیصله نیافته است. اقدامات و سیاست های دولت ایران با منافع آمریکا در منطقه مغایرت دارد و تهدید غیرعادی و خارق العاده را به امنیت ملی، سیاست خارجی، و اقتصاد ایالات متحده متوجه میسازد به همین دلیل من تشخیص داده ام که ادامه وضعیت اضطراری ملی در رابطه با ایران و برقرار نگه داشتن تحریم ها علیه ایران برای پاسخ دادن به این تهدید ضروری است.>

آیا تهدید غیرعادی و خارق العاده ای که آمریکا نسبت به امنیت ملی و اقتصاد و سیاست خارجی کشورش از ناحیه جمهوری اسلامی جدی تلقی میکند آنهم در حدی که قانون وضعیت اضطراری ملی را تمدید میکند به معنای ادامه قرارداد مودت است؟ باورنمیکم.

**\* دقت کنیم** آمریکا تهدیدات از ناحیه جمهوری اسلامی را فیصله نیافته میداند و استفاده از قانون ۱۹۹۵ را امر دفاع از امنیت ملی آمریکا بشمار آورده آیا در چنین موقعیتی میتوان موضع حقوقی قرارداد مودت را مطرح ساخت البته که میتوان ولی معقول نیست و این امر نهایت تغییر اوضاع احوال است که در سرنوشت قرارداد مودت تاثیر منفی و آن قرارداد را تحت الشعاع قانون ۱۹۹۵ قراردادده است.

(۱)- تغییر اوضاع احوال از زمان شاهنشاه ایران (۱۹۵۵) تا سال ۱۹۹۵ بین ایران و آمریکا وحتى تا به امروز آنقدر حساس و جدی بوده که بصورت قانون درکنگره آمریکا مطرح و صورت حکم پیدا کرده است یعنی تغییر اوضاع و احوال از مخرج نظروبررسی خارج و بصورت تهدید فوق العاده امنیت ملی آمریکا شناخته شده است.

با این اوضاع و احوال آیا هنوز هم قرارداد مودت بین ایران و آمریکا با اعتبار است؟ باورکردنی نیست.

**\*\* حتی میتوان این باور حقوقی را ارائه داد که اختیارات تفویض شده کنگره به رئیس جمهوری آمریکا در عبارت <این قانون کلی و ناظر بر اقدامات تجاری و چرخه فعالیت های مالی و قراردادی با هر دولتی است که آمریکا را دشمن خود پندارد> کاملاً قرارداد مودت را که برپایه چرخش های مالی متمرکز است شامل میشود؛ یعنی در همان زمان که قانون ۱۹۹۵ تصویب شد قرارداد مودت ایران و آمریکا نقض ضمنی شده است.**

**\*\* یکی از شرائط تداوم قانون وضعیت اضطراری در قبال ایران، همانطور که خواندید متوجه هر دولتی است که آمریکا را دشمن خود بداند، وضعیتی که ۳۶ سال حتی تا همین روزها در جمهوری اسلامی ناظر و حاکم و بصورت یک حکم بنیادی در آمده است.**

(به اظهارات مکرر خامنه ای وحتى ظریف در حفظ حالت دشمنی و جنگ بین ایران و آمریکارجوع شود)

**\*\* اساساً منطق عقلی حکم میکند که عنوان قانون (وضعیت اضطراری) منافات با قرارداد مودت که کاملاً نقطه مقابل با وضعیت اضطراری است قبول شود زیرا نه روابط صلح آمیز و مودت بین کشورها نیاز به وضع قانون اضطراری دارد و نه وضع چنین قانونی میتواند نمودی از حسن نیت و مودت باشد بنابراین میتوان گفت که از همان زمانی که قانون ۱۹۹۵ نسبت به ایران وضع شده است قرارداد مودت ایران و آمریکا منسوخه شناخته میشود <در یک زمان دو قانون متضاد نمیتوان قانون شناخته شوند و قانون لاحق ناسخ قانون سابق خواهد بود>.**

**\*\* از مواردی که بنام قرائن و امارات مستند دادگاهها و از جمله دیوان لاهه قرار میگیرد یکی هم میتواند این باشد که ۲۱ سال است که قانون سال ۱۹۹۵ علیه ایران کاملاً اجرا شده است هم تحریم ها و هم قطع معاملات در حد اعلائی ممکن و هم بلوکه کردن دارائی های ایران و هم درآمد های نفتی ایران اگر جمهوری اسلامی قائل به تداوم و اعتبار قرارداد مودت بود چرا در ۲۱ سال گذشته راهی دیوان لاهه نشد و حال به اعتبار همان قرارداد مودت راهی دیوان شده است؟**

## تجربه نه صلاحیت

این تحریر بواسطه تکلیف ملی در دفاع از دستاوردهای شاهنشاه ایران به خود اجازه ورود به مطلب را داده نه از باب اقتدا به صلاحیت؛ ولی عرض تجربه ای خدمت دست اندرکاران جریان شکایت به دیوان دور از احتیاط نیست.

## تجربه بکم

• آگاهید که در سال ۱۳۳۰ پس از اعلام ملی شدن صنعت نفت ایران دولت انگلستان به استناد قرارداد سال ۱۳۱۲ میان ایران و لندن به دیوان دادگستری لاهه رجوع کرد بدنبال این شکایت دولت وقت ایران چنین استدلال کرد >چون معاهده سال ۱۳۱۲ یک قرارداد بین المللی نیست نقض آن بعنوان نقض یک بیمان بین المللی به شمار نمیرود؛ لذا شکایت انگلیس از ایران بی مورد است. با آنکه تیم حقوقی دولت انگلستان از بزرگترین و معروفترین حقوقدان ها تشکیل شده بود و تیم حقوقی ایران بسیار محقر و متشکل از یک حقوقدان بین المللی بود دیوان به محکومیت انگلستان رای داد.

استدلال تیم ایران این بود که قرارداد نفتی سال ۱۳۱۲ بین دولت ایران و دولت انگلستان نبوده بلکه بین دولت ایران و یک شرکت انگلیسی بوده و نمیتواند عهدنامه بین المللی تلقی و اختلاف ناشیه در اجرای آن در صلاحیت دیوان قرار گیرد.

تجربه تقدیمی این است که اگر دولت شیخ حسن بتواند دلایل متقن و کافی و کامل به دیوان ارائه دهد دیوان با موقعیت جهانی که دارد نمیتواند آن دلایل را نادیده بگیرد.

## تجربه دیگر

• تجربه دیگر که بسیار مهم است رجوع هیئت ایرانی در دعوی اخیر دیوان لاهه به سابقه رسیدگی و جلسات دیوان لاهه در مورد ملی شدن نفت ایران است که نشان میدهد هیئت ایرانی با چه احترام و رعایت نزاکتهای بین المللی در دعوا مشارکت و عمل کرده است که مورد تحسین خبرنگاران و مطبوعات وقت قرار گرفته اند و این امر میتواند برای هیئت ایرانی اخیر سرمشقی باشد و از شعارهای مرگ بر آمریکا، جنگ ما تا نابودی آمریکا و اسرائیل ادامه دارد و آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند و امثال آنها پرهیز کند و آنها را بگذارند برای بازار سیاست حکومت اسلامی ایران.

ادامه این تحریر را بپذیرید